



تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر بهبود مهارت کارآموزان روستایی قبل از راه‌اندازی کسب‌وکار (مطالعه موردی: شهرستان بندرگز، استان گلستان)

پیمان کلاگر (نویسنده مسؤل)^۱

مریم آقائی^۲

یوسف‌علی مسعودی^۳

چکیده

فراگیری مهارت و توانایی‌های نوین و مرتبط سرآغاز هر شغل و پیشه است که یکی از راه‌های رسیدن به این هدف تربیت افراد از طریق آموزش‌های فنی و حرفه‌ای می‌باشد. با توجه به اینکه یکی از مهمترین مشکلات موجود در روستاها نبود کارآفرینی در جامعه روستایی است، بهبود مهارت‌های روستاییان از طریق آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به علت نقش اثرگذار آن در سطوح فردی و ملی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. هدف کلی این پژوهش بررسی تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر بهبود مهارت کارآموزان روستایی شهرستان بندرگز قبل از راه‌اندازی کسب‌وکار بود. به این منظور از روش تحقیق مبتنی بر پیمایش پرسشنامه‌ای استفاده شد. حجم نمونه تحقیق ۱۲۵ نفر از کارآموزان روستایی بودند که دوره‌های آموزشی خود را طی سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۹۴ به پایان رسانیده بوده و شغلی نداشتند که به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده پرسشنامه‌های تحقیق در بین آنها توزیع شد. روایی پرسشنامه بر اساس نظرات کمیته تحقیق و کارشناسان فنی و حرفه‌ای و پایایی پرسشنامه از طریق سنجش ضریب آلفای کرونباخ (۰/۹۰ =) تایید گردید. داده‌های گردآوری شده نیز با استفاده از نرم افزار ۱۶ SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج اولویت‌بندی گویه‌های نشان‌دهنده اثرات آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر بهبود مهارت کارآموزان روستایی نشان داد که «بهبود مهارت فنی و عملی» و «شکل‌گیری ایده کسب‌وکار» جزء مهمترین اثرات بوده است. نتایج ضریب همبستگی نشان داد که بین متغیرهای «میزان رضایت از مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای» و «وسایل و تجهیزات آموزشی استفاده شده در دوره»، با گویه‌های «بهبود مهارت فنی و عملی»، «شکل‌گیری ایده کسب‌وکار» و «بهبود مهارت‌های ارتباطی» رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. با توجه به اینکه مهارت‌آموزی و توانمندسازی نیروی انسانی از محوری‌ترین مؤلفه‌های اشتغال جوانان است و هدف آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نیز ایجاد بسترهای مناسب برای اشتغال می‌باشد، بنابراین نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در بهبود مهارت کارآموزان روستایی جهت راه‌اندازی کسب‌وکار در این پژوهش آشکار است.

کلید واژگان: آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، مهارت، راه‌اندازی کسب‌وکار، کارآموزان روستایی

^۱. کارشناس ارشد توسعه روستایی، ۰۹۱۱۳۷۱۶۶۵۰، peymankr@yahoo.com

^۲. کارشناس مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای شهرستان بندرگز، ۰۹۱۱۳۷۳۳۸۱۴، marmaree_۶۱@yahoo.com

^۳ رئیس مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای شهرستان بندرگز، ۰۹۱۱۱۷۱۷۲۹۱، masoodi_yousef@yahoo.com



The Effect Of Technical And Vocational Trainings On Improving Rural Students' Skill Before Business Startup (Case Study: Bandargaz County, Golestan Province)

Peyman Kolagar
Maryam Aqaei
Yousef Ali Masoodi

Abstract

Learning modern and related skills and abilities are the beginning of any job and occupation that one of the ways to reach that aim is training people through technical and vocational trainings. As regards one of the most important problems in villagers is lack of entrepreneurship in rural society, it is very important to improve villagers skills via technical and vocational trainings because of its effective role on individual and national levels. The main purpose of this research was identifying the effect of technical and vocational trainings on improving rural students' skill of Bandargaz county before business startup. Research survey method base on questionnaire was employed. The capacity of research sample was persons of students who finished their lessons during - and they had no job and simple cluster sampling method was used to sampling. Validity of the questionnaire was confirmed by members of research committee and experts of technical and vocational training organization and reliability of the questionnaire was confirmed by calculating Cronbach's Alpha (= .). data collected and organized using SPSS software. The results of prioritizing of effects of technical and vocational trainings on improving of rural students' skill demonstrated that "improving technical and practical skill" and "forming business idea" were most important effects. The results of correlation coefficient showed that there is a positive and significant relation between variables of "satisfaction of technical and vocational training center" and "the equipments and tools used during the term" with components of "improving technical and practical skill", "forming business idea" and "improving communication skills". As regards training and empowering people are the most essential components of youth employment and the purpose of technical and vocational trainings is creating appropriate basis for employment too, so the role of technical and vocational trainings on improving rural students' skill in order to business start-up is obvious in this research.

Keywords: technical and vocational trainings, skill, business startup, rural students.



مقدمه

بیان مسئله

نقطه پیوند آموزش، اشتغال و رشد اقتصادی ظرفیت بالقوه و بالفعل اقتصاد کشور در جذب نیروی انسانی بالقوه موجود در بازار کار کشور است و ارتباط بین آموزش و اشتغال از دیدگاه مثبت هنگامی پدیدار می‌شود که ساختار اقتصادی کشور توان جذب نیروی انسانی ماهر و متخصص را در زمینه‌های گوناگون فعالیت فراهم آورد (نشریه مهارت، ۱۳۸۵). باید بپذیریم آموزش برای ایجاد مهارت‌های مورد نیاز یکی از موثرترین راه‌هایی است که می‌تواند جامعه را در دستیابی به توسعه اقتصادی و رشد و پایداری یاری نماید. نداشتن مهارت لازم و کافی برای انجام وظایف موجب عدم رضایت از شغل نیز خواهد شد به عبارت دیگر، افراد هرچه توانایی بیشتر و بهتری برای انجام کار داشته باشند و بتوانند به نحو مطلوب‌تری انجام وظیفه نمایند، از خود و نتیجه کار راضی‌تر خواهند بود. از طرفی تدارک فرصت‌هایی برای جوانان تا دانش نگرش و مهارت‌های اساسی و مورد نیاز بازار کار را بشناسند و بیاموزند، آن‌ها را توسعه دهند و در عمل به کار گیرند از جمله مهم‌ترین دلایل توجیه‌کننده تحکیم روابط مراکز آموزشی با بازار کار است. این امر مستلزم تمرکز بر قابلیت‌های عملی، سواد مالی، درک و فهم اقتصادی و تجاری، و مهارت‌ها و صلاحیت‌های کلیدی است (عزیزی، ۱۳۸۴).

به طور کلی وقتی از واژه آموزش همراه با صفت فنی استفاده می‌شود، منظور نوع خاصی از آموزش است که هدف اصلی آن آماده‌سازی افراد برای کار است (صالحی، ۱۳۸۴) فراگیری مهارت و توانایی‌های نوین و مرتبط سرآغاز هر شغل و پیشه است که یکی از راه‌های رسیدن به این هدف تربیت افراد از طریق آموزش‌های فنی و حرفه‌ای می‌باشد که آموزش‌های مدون مطابق استاندارد صحیح آموزشی بهترین و سریعترین مسیر جهت آموختن حرفه جدید یا ارتقاء آن می‌باشد لذا می‌توان حرفه‌آموزی یا ارتقاء مهارت را یکی از عوامل مهم تأثیرگذار در ایجاد کسب‌وکار روستایی که به مراتب راه‌اندازی آن ساده‌تر و کم هزینه‌تر از کسب‌های رسمی می‌باشد دانست (مکاری مقدم و همکاران، ۱۳۹۱)

به علاوه نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که گروه‌های بسیاری از روستاییان از مهارت و کارایی لازم برای جذب در بازار کار برخوردار نیستند و در مواردی حتی اگر سرمایه لازم در دسترس آنها گذاشته شود قادر به خوداشتغالی نخواهند بود زیرا در اغلب موارد آموزش‌های آنها ارتباط زیادی با نیازهای مهارتی بازار کار ندارد. در این میان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای که مبتنی بر تخصص و با تکیه بر آموزش‌های عملی و تمرین و ممارست پیگیر می‌باشد، می‌تواند علاج کار و گره‌گشا باشد. این آموزش‌ها که سعی در ارائه مهارت خاص به کارآموزان دارند در محیطی مشابه فضای واقعی فعالیت کسب‌وکار انجام می‌شوند و فراگیران را برای ورود به بازار کار بر اساس نیاز مهارت و تخصص مربوطه آماده می‌سازند. کارآموزان از همان ابتدای ورود به این آموزش‌ها به دنبال خوداشتغالی و یا دست‌وپا کردن فرصت شغلی در بازار کار می‌باشند (نماینده، ۱۳۸۹).

با توجه به اینکه یکی از مهمترین مشکلات موجود در روستاها نبود کارآفرینی در جامعه روستایی است، بهبود مهارت‌های روستاییان از طریق آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به علت نقش اثرگذار آن در سطوح فردی و ملی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. لذا هدف کلی این تحقیق بررسی تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر بهبود مهارت کارآموزان روستایی قبل از راه‌اندازی کسب‌وکار می‌باشد.

از این رو تحقیق حاضر در پی پاسخگویی به سوالات زیر است:

- ✓ آیا بین آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و بهبود مهارت کارآموزان روستایی رابطه معنی‌داری وجود دارد؟
- ✓ آیا آموزش‌های فنی و حرفه‌ای باعث بهبود مهارت کارآموزان روستایی قبل از راه‌اندازی کسب‌وکار می‌شود؟

پیشینه تحقیق



هدایت نژاد (۱۳۷۸) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که فارغ‌التحصیلان آموزشهای فنی و حرفه‌ای به اندازه کافی از قابلیت‌ها، شایستگیها و مهارتهای مورد نیاز برای انجام دادن وظایف شغلی برخوردارند.

مطلق و صابری (۱۳۸۸) در تحقیقی روی کارآموزان مراکز دولتی فنی و حرفه‌ای شهرستان اراک، به این نتیجه رسیدند که بیشترین فراوانی تأثیر دوره‌های فنی و حرفه‌ای در اشتغال مربوط به گزینه زیاد می‌باشد که ۳۲ درصد را نشان می‌دهد. ارتباط منطقی بین نگرش کارآموزان به دوره فنی و حرفه‌ای و تأثیر دوره فنی و حرفه‌ای در اشتغال، بیشترین درصد، در گزینه زیاد مشاهده می‌شود که نشانگر این است که آموزش به نحو مطلوب ارائه شده و ارتباط منطقی از دیدگاه کارآموزان دارد. حدود ۷۰ درصد از کارآموزان فنی و حرفه‌ای جذب بازار کار می‌شوند پس این فرض نشان می‌دهد که دوره‌های آموزشی بر اشتغال تأثیر زیاد دارد. و در آخر حدود ۵۲/۹ درصد از آموزش‌دیدگان در شغل‌های مرتبط با دوره‌های آموزشی اشتغال پیدا می‌کنند. نتایج تحقیق نشان داد که دوره‌های آموزشی در کارایی و مهارت کارآموزان مفید بوده است.

رز (۲۰۰۵) در مقاله‌ای خصوصیات یک نظام آموزش فنی و حرفه‌ای مطلوب و پیامدهای مثبت آن را بیان کرده است. وی افزایش توانایی یادگیری، توسعه مهارت‌های استدلالی و تحلیلی، دانش آموزان و مشارکت در کارها، افزایش نقش مهارت‌ها در انعکاس توانایی‌های فردی و تعدیل آن‌ها برای انجام وظایف و اجتناب از زیان و خطا، افزایش انگیزه برای آموزش و کار و به طور کلی افزایش بهره‌وری نیروی کار را به عنوان پیامدهای مفید نظام آموزش فنی و حرفه‌ای بیان کرده است.

هارم وان لی شوت در مقاله خود بر نقش زیاد نیروی انسانی آموزش دیده با مهارت‌های سطح بالا به عنوان یک پیش‌شرط مهم در رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی مداوم بشری تأکید می‌کند. بر اساس نظر ایشان آموزش و تعلیم‌های فنی و حرفه‌ای نه تنها نیاز جوامع بشری برای توسعه اقتصادی و اجتماعی مداوم در سطح کلان کشورها برآورده می‌سازد بلکه همچنین می‌تواند به عنوان یک عامل تضمین‌کننده امنیت شغلی برای کارگران نیز محسوب گردد. علاوه بر آن آموزش و تعلیم‌های فنی و حرفه‌ای قدرت انعطاف‌پذیری کل جامعه را در برخورد با چالش‌های گوناگون افزایش می‌دهد (Harm van Lieshout, ۲۰۰۸).

مبانی نظری

آموزش انسان را بعنوان وسیله توسعه مجهز می‌کند و قابلیت‌ها و توانایی‌هایش را افزایش می‌دهد تا بتواند نقش خود را به خوبی بعنوان بازیگر و صحنه‌گردان توسعه ایفاء نماید و از طرفی آموزش تواناییها و قابلیت‌های فکری و بینش و معرفتی انسان را نیز تکامل می‌بخشد تا بتواند از مواهب توسعه برخوردار گردد و بعنوان هدف توسعه واجد شرایط برخورداری از این مواهب شود. بنابراین آموزش وسیله کسب دانش، مهارت و آگاهی یا ابزار ایجاد تغییرات مثبت و مفید رفتاری و ذهنی در انسان است. کلیفتون وارتن آموزش را تجارب درک شده‌ای می‌داند که موجب تحول و تطور الگوهای آینده رفتار آدمی می‌شود و توسط آن دانش جدید بوسیله انسان کسب می‌شود و یا انتقال می‌یابد (گل محمدی، ۱۳۹۱). تئودور شولتز معتقد است که آموزش نوعی سرمایه‌گذاری است و سرمایه انسانی جزئی از مفهوم عمومی سرمایه تلقی می‌شود. او همچنین معتقد است که توانایی‌های اکتسابی انسان‌ها مهمترین منبع رشد بهره‌وری و توسعه اقتصادی به حساب می‌آید. شولتز از نیروی کار ماهر به عنوان "سرمایه‌دار" یاد می‌کند چرا که دانش تبلور یافته و فشرده شده در وجود او خود نوعی سرمایه است (Carmen & Laura, ۲۰۱۲). امروزه آموزش نخستین گام در رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جوامع به حساب می‌آید و یکی از شاخص‌های اساسی پیشرفت هر نظام محسوب می‌شود. اعتقاد کارشناسان بر این است که افراد آموزش دیده، می‌توانند رونق، رشد و اندیشه‌های نو بیافرینند. زمانی که آموزش با مقتضیات محیط کار سازگار شود، بهره‌دهی بیشتری از نیروها عاید می‌گردد (Kurosawa. Et.al, ۲۰۰۵).

^۱ Rose



بر اساس الگوی شایستگی کنسرسیوم، مهارت عبارت است از: توانایی پیاده‌سازی علم در عمل. مهارت از راه تکرار کاربرد دانش در محیط واقعی به دست آمده و توسعه می‌یابد. توسعه مهارت منجر به بهبود کیفیت عملکرد می‌شود و بدون آن در بسیاری از موارد؛ معلومات، منشاء تأثیر زیادی نخواهد بود. همچنین مهارت عبارت است از: آشنایی با روش و چگونگی بکارگیری اصول و قواعد علمی و فنی در عمل و از طرف دیگر عبارت است از: تسلط و خبرگی در استفاده از ابزارها، وسایل و فنون علمی مرتبط با وظایف شغلی که در اثر تمرین و تکرار و کسب تجربیات در طول زمان حاصل می‌شود (نیرومند و همکاران، ۱۳۹۱)

مهارت، نقطه تبدیل فکر به ارزش افزوده است. کسب مهارت، علاوه بر سودرسانی فردی، منافع اجتماعی نیز در بردارد و نتایج زیر را به دنبال دارد:

- افزایش اشتغال، بهبود درآمد و بهره‌وری ملی؛
- فراوانی کارگران ماهر در سطح جامعه و جذب سرمایه‌گذاری؛
- هدایت تولید ملی به سمت محصول با ارزش افزوده بیشتر و توسعه‌ی ظرفیت صادراتی بالاتر؛
- کاهش مستمر نرخ جرایم، بهبود ارتباطات اجتماعی، و ارتقاء کیفیت زندگی بهداشتی و تأمین سلامت خانواده‌ها؛
- تحقق روزافزون عدالت توزیع درآمد و افزایش درآمد سرانه و ملی (عطاران، ۱۳۹۰)

مهارت آموزی هم از نظر کمی طیف گسترده‌ای از افراد جامعه را در برمی‌گیرد و هم به لحاظ پیامدهایی مانند رفع بحران بیکاری از اهمیت بالایی در سطح ملی برخوردار است. مهارت آموزی، مهمترین روش اشتغالزایی در کشورهای جهان است. ۳۰ تا ۴۰ درصد فعالیت‌های کشورهای دیگر برای حل مسأله اشتغال به مهارت آموزی بازمی‌گردد (منتظری و همکاران، ۱۳۹۱). از طرفی در میان مباحث توسعه، آموزش در سطوح و اشکال مختلف، از بنیادهای اصلی توسعه به خصوص در مناطق روستایی به حساب می‌آید. آموزشها بایستی به گونه‌ای طراحی گردند که بتوانند با ظرفیتهای خاص روستاییان را در مواجهه با مشکلات و مسائل این بخش آماده ساخته و آنها را در زمینه کارآفرینی، درآمد، رفاه و غیره در مناطق روستایی آگاه نماید (Lee, Et.al, ۲۰۰۳). در این میان با توجه به اهمیت آموزش روستاییان توجه به ارائه آموزشهای مهارتی در شاخه‌های گوناگون کشاورزی، صنعت و خدمات ضروری است. ورود به مناطق روستایی در سالهای قبل کم رنگ و تنها آموزشهای ساده ترویجی را شامل می‌شده است که توسط سایر سازمانها بنا به ضرورت ارائه شده و اصل مهارت آموزی و یا ارتقاء مهارت روستاییان در آن نادیده گرفته شده بود و خلا ارائه آموزشهای مدون و برنامه‌ریزی شده در بخش روستا همواره احساس می‌شد. سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای ایران با توجه به رسالت خود در ارائه آموزشهای غیررسمی در سالهای اخیر با تمرکز و توجه به بخش روستایی برنامه‌های خاص آموزشی مهارتی را برنامه‌ریزی کرده و به شیوه‌های متنوع و متفاوتی ارائه می‌دهد (نصیری، ۱۳۹۰)

اگر نظام آموزشی به گونه‌ای باشد که افراد بتوانند علاوه بر کسب دانش، چگونگی استفاده از آنرا در محیط و دنیای کسب و کار نیز یاد بگیرند، تعداد کارآفرینان و بدنبال آن کسب و کارهای تازه زیاد خواهد شد. اکثر کشورهای جهان تلاشهای تازه‌ای را برای تقویت آموزشهای فنی و حرفه‌ای آغاز کرده‌اند. انگیزه این تلاشها فائق آمدن بر مشکلات بیکاری جوانان، ارتقاء مهارتهای شغلی و تأمین نیازهای اقتصادی است و این باور وجود دارد که کسب مهارت موجب ارتقاء بهره‌وری و قابلیت رقابت در اقتصاد جهانی می‌شود (قارون، ۱۳۸۳). با توجه به ویژگی این نوع آموزشها، قسمت بیشتر مخاطبان آن جوانان هستند. بررسی‌های آماری نیز نشان می‌دهد که قسمت عمده بیکاری در کشورهای در حال توسعه بین جوانان و دانش آموخته‌هاست، بنابراین ضرورت توجه به این نوع آموزشها از بعد حل مشکل بیکاری که یکی از مشکلات عمده کشورهای در حال توسعه است، ضروری به نظر می‌رسد (فیض‌پور و همکاران، ۱۳۹۱). علاوه بر این همه می‌دانند که برای کسب و کار تازه به دانش و مهارت بالا نیاز دارند که مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای بهترین مرجع و مکان برای کسب این دانشها و مهارت‌ها می‌باشند (موسوی خراسانی و افسری، ۱۳۹۰).



جهت انجام کار در روستا بصورت کسب و کار مستقل، یکی از عوامل مهم تاثیرگذار جهت حرکت به این سمت اعتماد و اطمینان به اجرای درست و صحیح کار و ارائه خدمات یا کالا با کیفیت مناسب و در خور توجه بازار و مطابق رضایت مشتری می‌باشد. این اعتماد به نفس و تصمیم جهت انجام کار در صورتی وجود خواهد داشت که مهارت لازم برای تولید کالا یا انجام خدمات حاصل شده باشد و فرد از این بابت اطمینان کامل جهت اجرای آن را داشته باشد (مکاری مقدم و همکاران، ۱۳۹۱).

بهترین مسیر خوداشتغالی فرایندی است که از درون آغاز می‌شود (یک نوع تکامل خودآگاهی) که فرد می‌بایست از مهارت‌ها، استعدادها، توانایی‌ها، امکانات و ویژگی‌های منحصر بفرد خودآگاه باشد چون این خودآگاهی چرخه‌ای است که فرد را به سمت خوداشتغالی رضایت بخش و موفق هدایت می‌کند (مهریزی، ۱۳۸۴). کازی میرو (۲۰۰۳)، مهارت‌های خوداشتغالی را به چهار دسته تقسیم می‌نماید:

۱. مهارت تکنیکی (فنی): مهارت تکنیکی (فنی) به همه دانش کسب شده از طریق فرایند یادگیری مشخصی مرتبط می‌باشد که عبارتند از: بازاریابی، برنامه‌ریزی استراتژیک، مدیریت تولید و مدیریتی کیفیت.
 ۲. مهارت‌های اجتماعی: این مهارت‌ها نتیجه مستقیم از فرایندهای اجتماعی افراد می‌باشد و شامل: ارتباطات، مذاکره، کار گروهی، تصمیم‌گیری و حل مسئله می‌باشد.
 ۳. مهارت‌های ابزاری: این مهارت‌ها نتیجه فرآیند تعامل پیچیده میان افراد، دانش فرایند (ضمنی) و تمایل به عملی کردن آن می‌باشد و شامل نوآوری و ابتکارپذیری می‌باشد.
 ۴. مهارت‌های مدیریتی: این مهارت‌ها شامل: سازماندهی، مهارت‌های مدیریت منابع انسانی و فعالیت‌های مالی و تجاری می‌باشد (کازیميرو، ۲۰۰۳، نقل در مقیمی و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۹۸).
- آندرسون و همکاران نیز مهارت‌های خوداشتغالی را در سه طبقه قرار می‌دهند:
۱. مهارت‌های فردی، از قبیل: نوآوری، ریسک‌پذیری، توانایی رویارویی با ناشناخته‌ها، پذیرفتن چالش‌ها، مسئولیت پذیرفتن و جستجوی فرصت‌های تغییر می‌باشد.
 ۲. مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های بین فردی، شامل: تعامل مؤثر با دیگران، ارتباطات مؤثر، مذاکره (چانه‌زنی) نفوذ و رهبری اثرگذار می‌باشد.
 ۳. مهارت‌های فرآیندی، شامل: توانایی برنامه‌ریزی و ساماندهی، توانایی در تجزیه و تحلیل محیط و ارزیابی آن، توانایی اجراء برنامه‌ها می‌باشد (آندرسون و همکاران، ۲۰۰۶، نقل در مقیمی و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۹۹).
- دارست^۱ (۲۰۰۸) کمبود مهارت را از اصلی‌ترین مشکلات فراروی افراد خوداشتغال در آفریقای جنوبی می‌داند. داویدسون نشان داد که توان افراد خوداشتغال برای آغاز و انجام کسب و کار همبستگی بالایی با تجربه و آموزش مرتبط با کسب و کار دارد (Davidsson, ۱۹۹۱). در صورتیکه افراد خوداشتغال در ارتباط با مهارت‌های کارافرینی و کسب و کار به خوبی آموزش دیده باشند، زمانیکه با وظایف چالش برانگیز در شروع فرایند کسب و کارشان مواجه می‌شوند، دلسرد نخواهند شد. بنابراین، برنامه آموزشی که مهارت‌های کارافرینی را ارائه دهد، عاملی با اهمیت در ظهور و موفقیت یک کسب و کار کوچک می‌شود. و سپر^۲ (۱۹۹۳) معتقد است، احتمال شکست کارآفرینانی که تنها تجربه دارند و آموزش لازم را ندیده‌اند، زیاد است و برعکس کارآفرینانی که هم تجربه دارند و هم آموزش و مهارت لازم را فرا گرفته‌اند احتمال موفقیتشان بالاست.
- توسعه مهارت‌ها از طریق مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای به علت نقش اثرگذار آن در افزایش بهره‌وری و درآمد در سطوح فردی و ملی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. به این ترتیب که برخورداری افراد از مهارت سبب بهبود کارایی و افزایش سطح درآمد آنان می‌شود (شاهنوشی و همکاران، ۱۳۸۹)

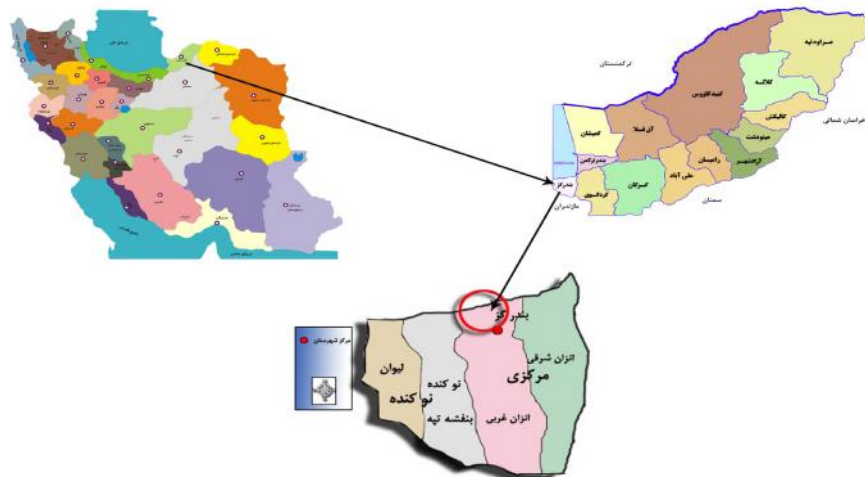
روش شناسی

^۱ Durst

^۲ Vesper



این تحقیق از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ درجه نظارت و کنترل، میدانی و از لحاظ گردآوری داده‌ها از نوع تحقیقات توصیفی - پیمایشی است. در تحقیق حاضر ابزار گردآوری داده‌ها و اندازه‌گیری متغیرها، پرسشنامه بوده است که با توجه به چارچوب نظری مطرح شده و اهداف تحقیق تدوین گردید. این پرسشنامه در قالب ۲ قسمت شامل: متغیرهای اجتماعی و اقتصادی با ۱۴ گویه و مؤلفه‌های بهبود مهارت با ۶ گویه لیکرته‌ای تدوین شد و برای جمع‌آوری داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت. روایی پرسشنامه از سوی گروهی از استادان دانشگاه و کارشناسان شاغل در فنی‌وحرفه‌ای استان گلستان مورد تأیید قرار گرفت و پایایی آن با انجام یک طرح مطالعه راهنما بر روی ۳۰ نمونه خارج از جامعه آماری و محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۰ برای مؤلفه‌های بهبود مهارت راه‌اندازی کسب‌وکار تأیید شد. جامعه آماری این پژوهش کارآموزان آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای ساکن نواحی روستایی شهرستان بندرگز در استان گلستان (شکل ۱) بودند که طی سالهای ۱۳۹۳-۱۳۹۴ در دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای شرکت کردند. جهت تعیین حجم نمونه هم از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده و پرسشنامه تحقیق در میان ۱۲۵ نفر از کارآموزان روستایی توزیع و جمع‌آوری شد. در این تحقیق اطلاعات با کمک نرم‌افزار SPSS ۱۶ و استفاده از روش‌های آماری توصیفی (میانگین، انحراف معیار، ضریب تغییرات، فراوانی، درصد فراوانی، 'isdm) و استنباطی (همبستگی اسپیرمن) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.



شکل (۱): موقعیت جغرافیایی ناحیه مورد مطالعه و دهستان‌های آن

یافته‌ها

الف) توصیفی

۶۶٪ از افراد پاسخگو مرد بودند. بیشتر افراد پاسخگو (۵۱/۴٪) در گروه سنی (۲۶-۳۰) سال قرار داشتند و میانگین سنی پاسخگویان نیز ۲۹/۸۸ بوده است. ۵۸/۷ درصد از افراد مورد مطالعه متاهل بودند. همه افراد پاسخگو همچنان در روستاها زندگی می‌کنند و محل زندگی خود در روستا را ترک نکرده‌اند. بیشتر افراد پاسخگو (۴۸٪) دارای تحصیلات دیپلم بودند، و فقط ۲۹/۳ درصد از آنها دارای تحصیلات دانشگاهی (۲۸٪ کاردانی و ۱۱/۳٪ کارشناسی) بودند. ۶۴٪ افراد مورد مطالعه بیان داشته‌اند که در هنگام شرکت در دوره‌های فنی‌وحرفه‌ای از تجربه کار قبلی برخوردار بوده‌اند و با پیش زمینه در دوره‌های آموزشی شرکت کردند. ۵۴/۹٪ پاسخگویان اظهار کرده‌اند که قبل از شرکت در دوره‌های فنی‌وحرفه‌ای قصد خوداشتغالی و راه‌اندازی کسب‌وکار را نداشته‌اند. ۷۰/۷٪ افراد مورد مطالعه بیان داشته‌اند که از مرکز آموزش فنی‌وحرفه‌ای که در آن آموزش دیده‌اند به میزان زیاد و خیلی زیاد رضایت دارند و تنها ۰/۷٪ افراد اصلاً از مرکز آموزش فنی‌وحرفه‌ای خود راضی نبودند. ۶۹/۳٪

^۱ Interval of Standard Deviation from the Mean



پاسخگویان انتظاراتشان از شرکت در دوره‌های فنی‌وحرفه‌ای به میزان زیاد و خیلی‌زیاد برآورده شده و این دوره‌ها مطابق انتظاراتشان بوده است و تنها ۱/۳٪ افراد اصلاً انتظاراتشان برآورده نشد. ۶۶/۷٪ افراد مورد مطالعه بیان داشته‌اند که از شیوه تدریس و توانایی مربیان خود در دوره‌های فنی‌وحرفه‌ای به میزان زیاد و خیلی‌زیاد رضایت دارند و از نظر آنان قابل قبول بوده است و تنها ۰/۷٪ افراد اصلاً شیوه تدریس و توانایی مربیان را قابل قبول ندانسته‌اند. ۶۶٪ افراد مورد مطالعه بیان داشته‌اند که وسایل و تجهیزات آموزشی استفاده شده در طول دوره بر کارآیی فنی آنان به میزان زیاد و خیلی‌زیاد تأثیر داشته است و تنها ۰/۷٪ افراد اصلاً به تأثیر تجهیزات بر کارآیی فنی خود معتقد نبودند. ۷۱/۴٪ افراد مورد مطالعه هم بیان داشته‌اند که به میزان زیاد و خیلی‌زیاد دیگران را برای حضور در دوره‌های آموزشی فنی‌وحرفه‌ای ترغیب می‌کنند تا در این کلاس‌ها شرکت داشته باشند. در جدول (۱) اطلاعات مربوط به رتبه‌بندی اثرات آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای بر بهبود مهارت‌های کارآموزان خوداشتغال روستایی نشان داده شده است. براساس نتایج بدست آمده، آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای در دو بخش بهبود مهارت فنی‌و عملی و شکل‌گیری ایده کسب‌وکار تأثیر بیشتری نسبت به سایر موارد از نظر پاسخگویان داشته است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که این آموزش‌ها در تهیه طرح‌ها و برنامه‌های تخصصی کسب‌وکار و بهبود مهارت‌های بازاریابی و فروش کالا و خدمات دارای اثرات کمتری بوده است.

جدول (۱): رتبه‌بندی گویه‌های مربوط به اثرات آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای بر بهبود مهارت‌های کارآموزان روستایی

رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	گویه‌ها
۱	۰/۲۴۴	۰/۹۲۶	۳/۷۸	بهبود مهارت فنی و عملی
۲	۰/۲۴۹	۰/۹۲۴	۳/۷۱	شکل‌گیری ایده کسب و کار
۳	۰/۲۶۵	۰/۸۵۱	۳/۲۰	بهبود مهارت‌های ارتباطی
۴	۰/۲۹۳	۰/۸۲۸	۲/۸۲	بهبود مهارت اقتصادی و مالی
۵	۰/۳۰۷	۰/۹۸۹	۳/۲۲	تهیه طرح‌ها و برنامه‌های تخصصی کسب‌وکار
۶	۰/۳۴۱	۰/۹۳۲	۲/۷۳	بهبود مهارت‌های بازاریابی و فروش کالا و خدمات

به منظور توصیف سطح ویژگی‌های مهارتی کارآموزان روستایی، از روش فاصله انحراف معیار از میانگین (isd) استفاده شد. در این روش با استفاده از پارامترهای میانگین و انحراف معیار میتوان ویژگی‌های مهارتی کارآموزان روستایی را مطالعه و آن را در چهار رده ضعیف، متوسط، خوب و عالی طبقه‌بندی کرد.

$A < \text{Mean} . \text{St.d} : A =$ ضعیف

$\text{Mean} . \text{St.d} < B < \text{Mean} : B =$ متوسط

$\text{Mean} < C < \text{Mean} + \text{St.d} : C =$ خوب

$\text{Mean} + \text{St.d} < D : D =$ عالی

جدول (۲): دسته‌بندی میزان مهارت کارآموزان روستایی پس از طی دوره‌های آموزش فنی‌وحرفه‌ای

سطح مهارتی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
ضعیف	۱۲	۹/۶	۹/۶
متوسط	۳۵	۲۸	۳۷/۶
خوب	۶۱	۴۸/۸	۸۶/۴
عالی	۱۷	۱۳/۶	۱۰۰
	۱۲۵	۱۰۰	-
بیشینه: ۵	کمینه: ۱	میانگین: ۳/۴۸	انحراف معیار: ۰/۸۸



بر اساس نتایج جدول بالا ۹/۶ از درصد از کارآموزان روستایی سطح مهارتی خود را ضعیف، ۲۸ درصد در حد متوسط، ۴۸/۸ درصد در حد خوب و ۱۳/۶ درصد در حد عالی ارزیابی کرده‌اند. پس اکثر کارآموزان روستایی (۶۲/۴) از سطح مهارتی خود پس از گذراندن دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای راضی هستند و آنرا در بهبود مهارت خود موثر دانستند.

ب) تحلیل داده‌ها

به منظور سنجش همبستگی بین مؤلفه‌های بهبود مهارت (بهبود مهارت فنی و عملی، بهبود مهارت اقتصادی و مالی، بهبود مهارت‌های بازاریابی و فروش کالا و خدمات، بهبود مهارت‌های ارتباطی، تهیه طرحها و برنامه‌های تخصصی کسب‌وکار و شکل‌گیری ایده کسب‌وکار) با متغیرهای تحقیق از آزمون اسپیرمن استفاده شد. نتایج تجزیه و تحلیل ضریب همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن در جدول (۳) نشان می‌دهد که بین مولفه بهبود مهارت فنی و عملی کارآموزان با داشتن تجربه کار قبلی و برآورده شدن انتظارات از شرکت در دوره فنی و حرفه‌ای آنها رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح ۱ درصد و با رضایت از شیوه تدریس و توانایی مربیان و موثر بودن وسایل و تجهیزات آموزشی دوره رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح ۵ درصد وجود دارد ولی با متغیر میزان رضایت از مرکز آموزش رابطه معنی‌داری وجود ندارد. در مورد مولفه بهبود مهارت ارتباطی کارآموزان رابطه مثبت و معنی‌داری با داشتن تجربه کار قبلی در سطح ۵ درصد و رابطه مثبت و معنی‌داری با میزان رضایت از مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای در سطح ۱ درصد وجود دارد ولی با سایر متغیرهای تحقیق رابطه معنی‌داری ندارد. در مولفه تهیه طرحها و برنامه‌های تخصصی کسب‌وکار فقط با متغیر میزان رضایت از مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح ۵ درصد وجود دارد ولی با سایر متغیرهای تحقیق رابطه معنی‌داری وجود ندارد. در مولفه شکل‌گیری ایده کسب‌وکار هم با میزان رضایت از مرکز آموزش و برآورده شدن انتظارات از شرکت در دوره فنی و حرفه‌ای رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح ۱ درصد و با رضایت از شیوه تدریس و توانایی مربیان رابطه مثبت و معنی‌داری در سطح ۵ درصد وجود دارد ولی با سایر متغیرهای تحقیق رابطه معنی‌داری وجود ندارد. همچنین در مولفه‌های بهبود مهارت اقتصادی و مالی و بهبود مهارت‌های بازاریابی و فروش کالا و خدمات هیچ رابطه معنی‌داری با متغیرهای تحقیق یافت نشد یعنی از نظر کارآموزان دوره‌ها، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نتوانسته در بهبود مهارت‌های اقتصادی و بازاریابی و فروش به آنها کمکی نماید و آنها در این دو مورد از این آموزش‌ها راضی نبودند.

جدول (۳): همبستگی بین مؤلفه‌های بهبود مهارت با متغیرهای تحقیق

متغیر	مؤلفه‌ها	مهارت فنی و عملی	مهارت اقتصادی	مهارت بازاریابی	مهارت ارتباطی	تهیه طرحها و برنامه‌ها	شکل‌گیری ایده
داشتن تجربه کار قبلی	۰/۲۹۴**	۰/۰۱۸	۰/۰۴۴	۰/۲۶۱*	۰/۱۱۷	۰/۲۱۴	
رضایت از مرکز آموزش	۰/۰۰۲	۰/۱۴۷	۰/۰۹۳	۰/۳۲۷**	۰/۲۵۴*	۰/۲۲۵**	
برآورده شدن انتظارات از شرکت در دوره	۰/۳۲۲**	۰/۰۳۲	۰/۱۲۸	۰/۰۰۳	۰/۰۰۸	۰/۲۸۵**	
رضایت از شیوه تدریس و توانایی مربیان	۰/۱۶۹*	۰/۱۳۲	۰/۰۵۸	۰/۱۱۳	۰/۰۸۴	۰/۱۵۱*	
موثر بودن وسایل و تجهیزات آموزشی دوره	۰/۱۹۷*	۰/۰۲۴	۰/۱۰۷	۰/۰۸۶	۰/۱۱۷	۰/۰۳۰	
	معنی‌دار در سطح ۰/۰۵**						معنی‌دار در سطح ۰/۰۱*

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های تحقیق؛ اکثر کارآموزان از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای رضایت داشتند که با نتایج تحقیق صفار حیدری و خاوری (۱۳۸۳) مطابقت دارد. بین بهبود مهارت فنی و عملی با رضایت از شیوه تدریس و توانایی مربی رابطه معنی‌داری وجود دارد که به ترتیب اردشیری (۱۳۸۴) و ارفعی و فرج‌اله حسینی (۱۳۸۶) نیز به نتایج مشابهی دست یافته بودند. مولفه شکل‌گیری ایده کسب‌وکار نیز رابطه معنی‌داری با برآورده شدن انتظارات از شرکت در دوره آموزش فنی و حرفه‌ای دارد که پولادی ریشهری و سلیمانی (۱۳۹۰) نیز به نتایج مشابهی دست یافته بودند.



بر اساس یافته‌های این تحقیق میتوان نتیجه گرفت کارآموزانی که از بهبود مهارت فنی و عملی خود راضی بودند؛ آنرا به موثر بودن وسایل و تجهیزات آموزشی دوره، رضایت از شیوه تدریس و توانایی مربیان مربوط می‌دانستند و این کارآموزان بیان داشتند که انتظاراتشان از حضور در دوره آموزش فنی و حرفه‌ای برآورده شده است. کارآموزان روستایی بهبود مهارت ارتباطی خود بعد حضور در دوره را به مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای مربوط دانستند که این بهبود مهارت ارتباطی آنان را در راه‌اندازی کسب و کار موفقتر کمک خواهد کرد. همچنین کارآموزان آشنایی با نحوه تهیه طرح و برنامه برای راه‌اندازی کسب و کار را نیز به مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای خود مرتبط دانستند و این بیانگر این است که این مراکز در آموزش و یا کمک به تهیه طرح توجیهی کسب و کار به افراد یاری رسانده است. همچنین کارآموزان روستایی شکل‌گیری ایده برای راه‌اندازی کسب و کار را به مرکز آموزش و تدریس و توانایی مربیان دوره مربوط دانسته‌اند و با توجه به برآورده شدن این مورد انتظاراتشان نیز از حضور در این دوره برآورده شده است و این افراد از کسب و کار خود نیز راضی بودند. ولی بر طبق یافته‌های تحقیق، کارآموزان اظهار داشته‌اند که دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای نتوانسته کمکی به آنها در بهبود مهارت اقتصادی و مالی و بهبود مهارت بازاریابی و فروش نماید و این افراد در این دو مورد از آموزشهای فنی و حرفه‌ای راضی نبودند و وجود این مهارتها در خود را به این دوره‌های آموزشی مربوط ندانستند. در کل نتایج این تحقیق مشخص می‌کند که رابطه معنی‌داری بین آموزشهای فنی و حرفه‌ای و بهبود مهارت کارآموزان روستایی قبل راه‌اندازی کسب و کار وجود دارد و این آموزشها توانسته به بهبود مهارت این کارآموزان جهت راه‌اندازی کسب و کار کمک کند.

در پایان چند پیشنهاد نیز ارائه می‌گردد:

- بر اساس این تحقیق مشخص می‌شود که مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای از سرمایه اجتماعی بالایی در جامعه روستایی برخوردارند. این سرمایه اجتماعی؛ وظیفه‌مندی این مراکز را دوچندان می‌کند تا این باور و اعتماد عمومی را از دست ندهند و با بروز بودن آموزشها و تجهیزات سعی در تقویت این اعتماد عمومی نمایند.
- پیشنهاد می‌شود مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای در کنار دوره اصلی که کارآموزان آموزش می‌بینند؛ یک دوره کارآفرینی را هم شامل موارد و قوانین خوداشتغالی و کارآفرینی در محتوای آن به صورت توأمان بگذرانند تا کارآموزان با این موارد آشنا شوند و آن را درک نمایند.
- مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای در دوره‌های آموزشی خود بر مهارتهای اقتصادی، مالی، بازاریابی و فروش هم توجه داشته باشند و این موارد را هم در سرفصل آموزشی خود بگنجانند.
- با توجه به نتایج تحقیق که افراد کمی با تحصیلات دانشگاهی از آموزشهای فنی و حرفه‌ای استقبال می‌کنند، پیشنهاد می‌شود که مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای ارتباط خود را با مراکز دانشگاهی بیشتر کنند و به جذب افراد با مدارک دانشگاهی اقدام کنند تا این افراد با کسب مهارت عملی و تلفیق آن با آموزشهای دانشگاهی راحت‌تر وارد بازار کار شوند.
- برنامه‌هایی مثل مسابقات ملی مهارت و جشن خوداشتغالی کارآموزان فنی و حرفه‌ای با تبلیغات و انعکاس بیشتری در رسانه‌های گروهی اشاعه یابد.

منابع

- اردشیری، ع. (۱۳۸۴). بررسی میزان اثربخشی دوره‌های طرحهای ۱۸ ماهه ایران و آلمان در کسب مهارت‌های لازم و اشتغال در شهرستان شیراز از دید کارآموزان، مربیان و کارشناسان در سال ۸۲ و ۸۳. طرح پژوهشی سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای استان فارس.
- ارفعی، م. و فرج‌اله‌حسینی، ج. (۱۳۷۸). بررسی نقش دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای غیررسمی وزارت جهاد کشاورزی بر روی وضعیت اشتغال روستاییان آموزش دیده آذربایجان غربی. مجله جهاد. شماره ۲۸۰. صص ۳۲-۴۹.



- پولادی ریشه‌ری، ع. و سلیمانی، ا. (۱۳۹۰). بررسی نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در آمادگی کارآفرینی در دانش‌آموزان مراکز فنی و حرفه‌ای. مجموعه مقالات اولین همایش ملی آموزش در ایران ۱۴۰۴. ص ۲۳.
- شاهنوشی، ن. مظهری، م. خاکسارآستانه، ح. و رحمانی، ف. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر بودجه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای بر بهره‌وری نیروی کار در بخش صنعت خراسان بزرگ. مجله علمی- پژوهشی دانش و توسعه. سال هجدهم، شماره ۳۳. صص ۷۷-۵۵.
- صالحی، ص. (۱۳۸۴). تحول آموزش فنی و حرفه‌ای و مکانیزم سازی. مجموعه مقالات دومین همایش نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در تحولات اقتصادی و اجتماعی. مازندران: اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای مازندران.
- صفار حیدری، ح. و خاوری، ع. (۱۳۸۳). بررسی وضعیت اشتغال کارآموزان در رشته‌های مربوط به بخش صنعت در برنامه‌ی سوم توسعه: استان مازندران. پژوهشنامه‌ی علوم انسانی و اجتماعی. سال چهارم. شماره سیزدهم.
- عزیزی، ن. ا. (۱۳۸۴). بررسی نقش و جایگاه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در توسعه اقتصادی، نگاهی به تجارب کشورهای توسعه یافته. عطاران، ب. (۱۳۹۰). مهارت، نقطه تبدیل فکر به ارزش افزوده. مجله رشد آموزش فنی و حرفه‌ای. دوره ششم شماره ۴. صص ۲-۳.
- فیض پور، م. ع. دهقانپور، م. ر. و ده موبد، ب. (۱۳۹۱). مهارت نیروی کار و تأثیر آن بر بهره‌وری عوامل تولید. نخستین همایش ملی مهارت آموزی و اشتغال در ایران، تهران.
- قارون، م. (۱۳۸۳). مروری بر برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای در سطوح متوسطه و عالی در برخی از کشورهای جهان. مقاله‌نامه مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، شماره ۹ و ۱۰.
- قاسمی اردهانی، ع. (۱۳۸۵). بررسی علل مهاجرت روستاییان به شهرها در ایران، فراتحلیل پایان‌نامه‌های تحصیلی در مقطع زمانی ۸۳-۱۳۵۹. فصلنامه روستا و توسعه. سال نهم، شماره ۱. صص ۵۱-۸۰.
- گل محمدی، ف. و گل محمدی، ف. (۱۳۹۱). شناسایی عوامل تأثیرگذار بر اشتغال مهارت‌آموختگان آموزش فنی و حرفه‌ای استان خراسان جنوبی جهت ارائه راهکارهای لازم. همایش ملی راهکارهای ارتقای تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی. بجنورد. ۲۵ آذر. مطلق، م. و صابری، م. (۱۳۸۹). بررسی رابطه دوره‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای و اثربخشی آن در کاربایی اشتغال کارآموزان مرد شهر اراک. پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال چهارم. شماره چهارم.
- مقیمی، م. خنیفر، ح. و قادری، ا. (۱۳۸۶). بررسی مهارت‌های کارآفرینانه مدیران و اثربخشی سازمانی در کسب و کارهای کوچک و متوسط. مجله دانش مدیریت. دوره ۲۰، شماره ۷۹، صص ۹۳-۱۱۰.
- مکاری مقدم، ا. قهرمانی، ع و امیری، ا. (۱۳۹۱). تأثیر آموزش‌های مهارتی فنی و حرفه‌ای روستایی در ارتقاء تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی. همایش ملی راهکارهای ارتقای تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی. بجنورد. ۲۵ آذر.
- منتظری، ف. حق شناس، ا. و منتظری، م. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر مهارت‌آموزی و کارآفرینی بر اشتغال و ارتقاء تولید ملی. همایش ملی راهکارهای ارتقای تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی. بجنورد. ۲۵ آذر.
- مه‌ریزی، ن. (۱۳۸۴). خوداشتغالی. روزنامه همشهری. سال سیزدهم، شماره ۳۷۷۳، یکشنبه ۲۳ مرداد، صفحه ۱۰.
- موسوی خراسانی، م و افسری، ه. (۱۳۹۰). تأثیر فراگیری مهارت‌های فنی و حرفه‌ای مرتبط و غیر مرتبط با رشته تحصیلی دانشجویان کشاورزی در کارآفرینی. همایش ملی اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی و منابع طبیعی. دانشگاه تربیت مدرس. آذر ماه.
- نشریه علمی-فنی و تخصصی مهارت. (۱۳۸۵). سال دوازدهم، شهریور، صفحه ۱۱۴.
- نصیری، ه. (۱۳۹۰). آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در مناطق روستایی ایران. سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای، دفتر امور آموزش روستایی.
- نماینده، ی. (۱۳۸۹). نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور. برگرفته از وبلاگ آموزش‌های فنی و حرفه‌ای.
- نیرومند، پ. فرجی ارمکی، ا. صدری نوش آبادی، ص. رنجبر، م و مسجدیان جزئی، س. (۱۳۹۱). نقش مهارت‌های فنی و غیرفنی در فرایند تجاری سازی اختراعات و نوآوری‌های مهارت‌آموختگان سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور. فصلنامه پژوهش در نظام‌های آموزشی. سال ششم، شماره هفدهم، صص ۱۴۳-۱۲۹.
- هدایت نژاد، ع. (۱۳۷۸). بررسی میزان اثربخشی دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای رسمی وزارت جهاد کشاورزی، پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه تهران.
- Carmen, C. and Laura, C. (). The Relevance of education as a capital asset for economic development. reference to the Romanian situation. *Journal of Procedia-Social and Behavioral Science*; : - .



- Davidsson, P. (). Continued Entrepreneurship: Ability, Need, and Opportunity as Determinants of Small Firm Growth . *Journal of Business Venturing*, (): .
- Durst, G. (). Barriers to entrepreneurship : Are they surmountable? *Journal of entrepreneurship*, (): - .
- Harm van Lieshout, (). An actor-centered institutionalist approach to flexicurity: the example of vocational education and training. *Flexicurity Centre for Applied Labour Market Research and Innovation, Hanze University Groningen*.
- Kurosawa,M. & Ohtaka,F. & Ariga,K.(). "productivity, training, and human resource Management practices- disentangling complex" , intraction using a survey of Japanese Manufacturing Firms.
- Lee, V.E., Bryk, A.S. and Smith, J.B. (). The organization of effective secondary schools. In Darling-Hammond, L. Review of research in education, .
- Rose. (). "Reframing the Debate on Career and Technical Education". Available on the www.nationalacademies.org/cfe. *CTE_Mike_Rose_Paper*.
- Vesper, K. (). Entrepreneurship Education, Losangeles: *Entrepreurial Studies Center. UCL. N.* .